

از حاشیه قانون مدنی تا طرح اصلاح آن

نظری بر «مجموعه‌ی محشای قانون مدنی»*

سیدمسعود نوری

عضو هیئت علمی دانشگاه مفید

۱. گفتارگشایی

توضیح و تفسیر مواد قانونی، رفع ابهام از برخی عبارات نارسا، یادآوری مواد مربوط و مرتبط، و حتی گاه ارائه‌ی مثال برای فهم بهتر مقصد و مقصود عبارت قانون، آن هم در قالب جملات و عبارات کوتاه در حاشیه‌ی هر ماده‌ی قانونی، کاری است بس مهم و سودمند. گنج حاصل از این رنج نه‌تنها برای تازه‌کاران و دانشجویان غنیمت است و پریها، که برای کارکشتگان و استادان و قاضیانِ پرتجربه و وکلای چیره‌دست نیز کار را سهل می‌کند و راه را نزدیک.

خاستگاه قوانین، به ویژه قوانین مادر، هم‌چون قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی، و حتی بخش‌های قابل توجهی از دیگر قوانین، هم‌چون آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری، فقه اسلامی است. فقهای سلف بر کتاب‌های گذشتگان خود شرح‌ها و حاشیه‌ها و تعلیقه‌ها نگاشته و در حلّ ابهامات و توضیح مشکلات متون استوار کهن، تلاش‌های پراچ کرده‌اند؛ و این همه، راه اجتهاد را هرچه هموارتر و دسترسی به فهم

* در این مقاله کتاب: مجموعه محشای قانون مدنی، دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۹، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

فقه را برای مجاهدان این میدان آسان‌تر می‌کند. نام‌دارترین نمونه‌ی این امر، کتاب عروۃ‌الوثقی، اثر سیدمحمدکاظم یزدی است که مراجع عظام پس از وی، با اظهار عقاید فقهی خود ذیل عبارات آن کتاب، یافته‌های خود را ارائه کرده‌اند و فقه‌پژوهان می‌توانند به سهولت به آن یافته‌ها دست یابند.

این رویه‌ی نیکو و سنت پسندیده نسبت به متون قانونی نیز اجرا شده است. خوشبختانه در سال‌های اخیر، حاشیه‌نگاری بر قوانین، مورد توجه استادان بنام و نیز دانشجویان سخت‌کوش آنان قرار گرفته است. در حوزه‌ی حقوق مدنی، کتاب پراج قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، اثر استاد گرامی، دکتر ناصر کاتوزیان، از فضل تقدّم برخوردار است. در پی آن قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی و آثار دیگری بر همان سبک و سیاق تدوین و عرضه گشته است. از کتاب‌های فاخر و گران‌سنگ در این حوزه، اثری است، با نام مجموعه محشی قانون مدنی اثر استاد فرزانه، جناب دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی. نوشتار حاضر تأملی است در این کتاب وزین.

۲. آشنایی با مؤلف

جناب دکتر لنگرودی از مفاخر و مشاهیر علم حقوق ایران، در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در شهر لنگرود، در خانواده‌ای مذهبی و دانش‌پرور زاده شد.

وی پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاه، وارد دانش‌سرای مقدماتی رشت شد؛ یک چند بعد، به شوق تحصیلات دینی، به مشهد مقدس رفت و در مدرسه‌ی علمیه‌ی چهار گنبد مشهد، به فراگیری علوم مقدماتی حوزه، از جمله صرف و نحو و فصاحت و بلاغت پرداخت و پس از مدتی کتاب المیزان در منطق را ترجمه کرد.

در آن روزگار لنگرودی جوان با مردان نام‌داری چون پروفیسور عبدالجواد فلاطوری دوستی داشت. وی در مشهد از محضر اساتیدی چون آیت‌الله حاج میرزا مهدی اصفهانی، آیت‌الله کدکنی، میرزا مهدی آشتیانی و ادیب نیشابوری بهره‌ها برد و در سال ۱۳۲۶ خورشیدی دروس خارج حوزه را نزد آقا شیخ هاشم و آیت‌الله دامغانی آغاز کرد؛ سپس به قم کوچید تا از عالمان بزرگ روزگارش حضرات آیات عظام بروجردی، خوانساری و صدر کسب فیض کند. هم‌زمان با تحصیل علوم حوزوی، وارد دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران شد و در همان دوران دانشجویی با نگارش کتاب اصول فلسفه

حقوق، خوش درخشید. چندی بعد، در دی ماه ۱۳۳۹ با دفاع از رساله‌ی خویش، با عنوان تأثیر اراده در حقوق مدنی دکترای حقوق خصوصی و قضایی گرفت. استاد از نیمه‌ی دهه‌ی ۱۳۳۰ خورشیدی به جمع قضات پیوست. خدمات قضایی ایشان مختلف است، اما بیشتر آن دوران در اداره‌ی کل ثبت کشور سپری شد. پس از دوره‌ی خدمت در دادگستری، یکسره دانشگاهی شد و به تربیت دانشجویان پرداخت.

۳. آثار قلمی مؤلف

ایشان در طول حدود نیم قرن خدمت فرهنگی و علمی، به آموزش و پژوهش و نگارش در قلمروهای مختلف حقوق پرداختند؛ از جمله: حقوق اسلامی، حقوق مدنی، آیین دادرسی مدنی، دانشنامه و دایرةالمعارف نویسی، فلسفه‌ی حقوق، منطق حقوق، تاریخ حقوق، گردآوری و تحلیل آرای حقوقی.

افزون بر این حوزه‌ها، استاد در برخی قلمروهای دیگر، مانند ادبیات فارسی، ادبیات عربی و فلسفه‌ی اسلامی نیز تألیفاتی دارند.

کتاب‌هایی که بیش از سایر آثار ایشان مورد استفاده‌ی عموم دانشجویان، استادان، قضات، وکلا و سایر دست‌اندرکاران مسائل حقوقی است، «ترمینولوژی حقوق» است که اخیراً در پنج جلد و به صورت تکمیل شده، با عنوان مبسوط در ترمینولوژی منتشر شده است و در مرحله‌ی بعد، «دانشنامه حقوقی» است در پنج جلد که دایرةالمعارف قوانین و مقررات آیین دادرسی مدنی، ادله‌ی اثبات دعوا، امور حسبی، ثبت املاک و اسناد، ثبت شرکت‌ها و ثبت احوال است.

از تازه‌ترین آثار ایشان می‌توان به فلسفه‌ی اعلا‌ی حقوق مدنی، مبسوط در ترمینولوژی اشاره

کرد:

۴. آشنایی کلی با مجموعه‌ی محشای قانون مدنی

اثری از استاد که نوشته‌ی حاضر برای معرفی و درنگ در آن تدوین یافته، کتابی است با این مشخصات: مجموعه محشای قانون مدنی (علمی، تطبیقی، تاریخی) تألیف و تحقیق: دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، چاپ اول: تهران: کتابخانه‌ی گنج دانش، ۱۳۷۹، هفت + ۱۱۱۱ صفحه‌ی وزیری. شمارگان: ۳۰۰۰ جلد.

این اثر در حقیقت از دو بخش کاملاً مجزا تشکیل شده است؛ اما متأسفانه عنوان کتاب به گونه‌ای انتخاب شده که بخش دوم آن را منعکس نمی‌کند؛ بخشی که اتفاقاً مهم‌تر و ابتکاری شایسته‌ی توجه و استفاده است.

بخش‌های کتاب بدین شرح است:

- متن قانون مدنی، همراه با حواشی نویسنده در ذیل مواد (از ص ۱ - ۶۷۸).

- طرح اصلاح قانون مدنی که متن قانون مدنی پیشنهادی مؤلف است، در ۳۵۲۰ ماده (از ص ۶۷۹ - ۱۱۱۱).

هم‌چنان که ملاحظه می‌فرمایید، عنوان کتاب، یعنی مجموعه‌ی محشّی قانون مدنی، اصلاً دلالتی بر بخش دوم کتاب ندارد و در حقیقت آینه‌دار تلاش طاقت‌فرسای نویسنده در ارائه‌ی متن کاملی به عنوان قانون مدنی پیشنهادی ایشان نیست؛ به ویژه آن‌که، دیگر تألیفات از این دست (هم‌چون مجموعه‌ی محشای قانون مجازات اسلامی)، فقط در بردارنده‌ی حواشی و توضیحات مواد همان قانون است و ضمیمه‌ای با عنوان طرح پیشنهادی قانون مجازات اسلامی ندارد و این سابقه‌ی ذهنی باعث می‌شود که خواننده بپندارد این کتاب استاد نیز، فقط حواشی ایشان ذیل مواد قانون مدنی (یعنی بخش اول کتاب) را ارائه می‌کند.

برای رفع این کاستی، پیشنهاد می‌شود که یا هر کدام از این دو بخش، به عنوان کتابی مستقل چاپ گردد که خواص جانبی دیگری نیز دارد، از جمله سهولت در انتقال؛ یا آن که عبارت «به انضمام طرح اصلاح قانون مدنی» در ادامه‌ی عنوان اثر افزوده شود.

۵- نگاهی به املاهای واژه‌ها در کتاب

نکته‌ی دیگر درباره‌ی عنوان کتاب، املاهای نادرست آن است. در سال‌های اخیر، اوضاع خط فارسی متأسفانه نابسامان شده است. گسترش صنعت نشر و استفاده‌ی روزافزون از رایانه‌های شخصی که ورود همگان را به این حوزه ممکن ساخته، عوارض مثبت و منفی متعددی دارد؛ از جمله آن‌که نگارش و انتشار متون از سوی کسانی که یا آگاهی به قواعد رسم‌الخط ندارند و یا احترام و رعایت آنها را لازم نمی‌شمرند، سبب گشته غلط‌های املائی در سطح وسیع منتشر شود و پس از چندی اگر کسی به اعتراض چیزی بگوید یا بنویسد، با این پاسخ مواجه می‌شود که این، غلط مشهور است و غلط مشهور پذیرفتنی!

به هر روی مسئولان دل‌سوز باید این نابسامانی را چاره‌کنند. خوشبختانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی با تدوین و نشر کتابچه‌ی «دستور خط فارسی» (چاپ اول: خرداد ۱۳۸۱، ص ۵۲) گامی استوار در این راه دراز نهاده و مجموعه‌ای از اصول و قواعد درست‌نویسی فارسی را پیشنهاد کرده است. سومین اصل از آن اصول، عبارت است از: «تطابق مکتوب و ملفوظ»؛ یعنی کوشش شود مکتوب، تا آن‌جا که خصوصیات خط فارسی راه دهد، با ملفوظ مطابقت داشته باشد. متأسفانه این اصل روشن و قاعده‌ی هماهنگ با طبع سلیم در املا‌ی عنوان کتاب رعایت نشده است؛ یعنی باید خوانند: «مجموعه‌ی محشای قانون مدنی»، اما بر جلد کتاب نوشته‌اند: «مجموعه محشای قانون مدنی». امید است این نقص، که در نخستین نگاه به این اثر وزین چشم را می‌آزارد و در فهرست راه‌نما (ص ۴) نیز تکرار شده است، در چاپ دوم کتاب برطرف گردد.

اکنون که سخن در این مقوله است، بهتر است یادآوری شود که در متن کتاب نیز کلمات پُرشماری به صورت دست‌کم نامأنوس نوشته شده‌اند؛ از جمله: دفیینه (ص ۷۳۰)، قضائیه (ص ۵۰۲)، رشیده (ص ۱۰۱۶) شبهه (ص ۱۰۳۶)، شخصییه (ص ۱۰۴۱)، بدل حیلولة... و دیون مقیده (ص ۹۷۷).

۶- درنگی در بخش نخست کتاب

همان‌گونه که اشاره شد، کتاب - بدون آن‌که فهرست آن تصریح کند - حاوی دو بخش است. اولین بخش، متن قانون مدنی ایران است همراه با حواشی توضیحی و انتقادی و تطبیقی که اکنون درباره‌ی این بخش مطالبی ارائه می‌گردد:

۱- ۶. برای آن‌که خاستگاه برخی مواد قانون مدنی نشان داده شود، یا موارد مشابه آن در قوانین دیگر کشورها ارائه گردد، استاد به برخی متون فقهی ارجاع داده و گاه آیات و روایات و عبارات مربوط را عیناً نقل کرده‌اند؛ زمانی در متن کتاب (مثلاً: ص ۱۷۶، ۴۴۵، ۵۹۲)، و زمانی در پاورقی، (مثلاً ص ۴۴۴ و ۵۶۳، ۵۸۸). هم‌چنین استاد به مواد قوانین دیگر کشورها، به ویژه فرانسه، سوییس، اتیوپی و گاه آلمان ارجاع داده و در پاورقی، متن آن ماده‌ی خارجی را نقل کرده‌اند؛ مثلاً در حاشیه‌ی تبصره‌ی ماده‌ی یک قانون مدنی به بند دوم ماده‌ی اول قانون سوئیس اشاره و در پاورقی، متن آن را نقل کرده‌اند (ص ۱)؛ هم‌چنین در حاشیه‌ی هفتم ذیل ماده‌ی پنج قانون مدنی، از بند اول ماده‌ی سوم قانون

مدنی فرانسه سخن رفته و متن آن در پاورقی آمده است (ص ۴) و در حاشیه‌ی اول ماده‌ی یازده قانون مدنی اشکال شده است که این ماده، قبل از تعریف مال، آن را بر دو قسم منقول و غیرمنقول تقسیم کرده است و گفته شده که ماده‌ی ۱۱۲۶ قانون مدنی اتیوپی هم، همین نقص را دارد؛ سپس، برای آن‌که به خواننده امکان مقایسه داده شود، متن آن ماده در پاورقی ذکر شده است (ص ۱۳)؛ اما این شیوه‌ی پسندیده در طول کتاب رعایت نشده است؛ مثلاً در حاشیه‌ی سوم ماده‌ی ۱۸ که از ماده‌ی ۵۲۶ قانون مدنی فرانسه یاد می‌کند، خواننده‌ی کتاب، متن آن ماده را نمی‌یابد (ص ۱۷)؛ و نمونه‌ی دوم حاشیه‌ی سوم ماده‌ی ۱۹ است که از ماده‌ی ۱۱۲۷ قانون مدنی اتیوپی یاد شده، بدون آن‌که اثری از متن آن باشد (ص ۱۸).

این ناهماهنگی مختص صفحات آغازین کتاب نیست، در متن نیز ادامه می‌یابد؛ مثلاً در حاشیه‌ی ماده‌ی ۲۷۱ (ص ۲۲۶)، از صدر ماده‌ی ۱۲۳۹ قانون مدنی فرانسه؛ در حاشیه‌ی ششم ماده‌ی ۲۷۳ (ص ۲۲۷) و ماده‌ی ۲۷۴ (ص ۲۲۷) و مواد ۲۶۸ و ۲۶۹ (ص ۲۲۵)، به ترتیب، از مواد ۱۲۵۷، ۱۲۴۱، ۱۲۳۷ و ۱۲۳۸ قانون مدنی فرانسه یاد شده، اما از متن آن مواد خبری نیست؛ در حالی که در حاشیه‌ی دوم ماده‌ی ۱۰۰۳ از مواد ۱۸۶ و ۱۸۷ قانون مدنی اتیوپی، و در حاشیه‌ی دوم ماده‌ی ۱۰۰۴، از ماده‌ی ۱۸۸ آن قانون سخن رفته و در پاورقی این مواد نقل شده است (ص ۵۲۳). امید است این رویه‌ی سودمند (نقل متن مواد قوانین خارجی در شرح مواد قانون مدنی ایران) در چاپ بعدی کتاب، در مواردی که رعایت نشده است، اعمال گردد.

۲-۶. ظاهراً روند یکسانی در شرح و تحشیه‌ی مواد رعایت نشده است. ذیل برخی مواد حواشی متعدد و مفصلی آورده شده است - مثلاً: ماده‌ی ۱۳۰ قانون مدنی حاشیه‌ای تقریباً سه صفحه‌ای دارد (ص ۱۰۸-۱۱۱)، ماده‌ی ۱۳۶ پنج حاشیه (ص ۱۱۵-۱۱۷)، ماده‌ی ۱۷۳ نه حاشیه (ص ۱۵۰-۱۵۱)، ماده‌ی ۱۸۳ ده حاشیه (ص ۱۵۶-۱۵۸)، ماده‌ی ۵۵، پانزده حاشیه (ص ۵۴-۵۶)، ماده‌ی ۳۵، هجده حاشیه (ص ۳۹-۴۱) دارد. اما ذیل مواد پرشماری هیچ‌گونه حاشیه و شرحی دیده نمی‌شود؛ مثل ماده‌ی ۲۳۸ (ص ۲۱۱)، در حالی که می‌شد در توضیح آن ماده - که درباره‌ی انجام دادن فعل مورد شرط به خرج ملتزم است - به ماده‌ی ۲۴۲ قانون مدنی و ماده‌ی ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی (مصوب ۱۳۵۶) ارجاع داد. ذیل مواد ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۶ و ۲۵۵،

هم‌چنین مواد ۲۶۱ تا ۲۶۳ قانون مدنی هم حاشیه‌ای نگاشته نشده است. برخی از مواد بی حاشیه و بدون توضیح در متن کتاب، دست کم به چندین ماده‌ی قانونی مربوط می‌شوند و مؤلف گرامی می‌توانست خواننده‌ی کتاب را با اشاره‌ای، به این ارتباط راهنمایی کند و به او تذکر دهد که در تفسیر این مواد، از مطالعه‌ی مواد مربوط غافل نماند؛ مثلاً ماده‌ی ۹۵۷ که درباره‌ی اهلیت تمتع حمل است. با مواد ۸۵۱ و ۸۵۲ و ۸۷۵ قانون مدنی رابطه‌ی تنگاتنگ دارد، اما ذیل این ماده، هیچ حاشیه و توضیحی در کتاب نوشته نشده است.

گاه مواد، پیاپی و بی‌هیچ حاشیه و شرحی می‌آیند، به طوری که خواننده فراموش می‌کند آنچه در دست دارد، «مجموعه‌ی محشّا» است نه متن قانون مدنی! مثلاً از ماده‌ی ۱۰۱۳ تا ماده‌ی ۱۰۲۶ تنها دو حاشیه وجود دارد: یکی ذیل ماده‌ی ۱۰۱۵ (ص ۵۲۸) که ارجاع است به ماده‌ی ۱۲۳۵ به بعد و نیز ماده‌ی ۲۲۱۶ تا ۲۲۲۰ طرح اصلاح قانون مدنی؛ و دیگری، ذیل ماده‌ی ۱۰۲۵ (ص ۵۳۰). درباره‌ی حاشیه‌ی ماده‌ی ۱۰۱۵ هم این دو نکته را می‌توان طرح کرد: اولاً مرجع اشاره و ارجاع استاد که مرقوم فرموده‌اند «ماده‌ی ۱۲۳۵ به بعد قانون مدنی» تا کدام ماده است؟ ظاهراً مقصود ایشان تا ماده‌ی ۱۲۴۷ است، اما بهتر بود که ایشان غایت مراد خویش را بیان می‌فرمودند، ثانیاً مواد ۴۷ تا ۹۵ قانون امور حسبی نیز به مسأله ربط و وثیق دارد و ارجاع به آن مواد نیز ضروری است.

نمونه‌ی شگفت‌انگیز دیگر از مواد شرح نشده، برخی فصول کتاب هفتم قانون مدنی راجع به نکاح و طلاق است؛ از جمله: فصل دوم، قابلیت صحی برای ازدواج. مواد این فصل (از شماره‌ی ۱۰۴۱ تا ۱۰۴۴) بی‌هیچ شرح و حاشیه‌ای ذکر شده‌اند، در حالی که متن و تبصره‌ی ماده‌ی ۱۰۴۱ راجع به دو بحث مهم، یعنی نکاح پیش از بلوغ و نکاح به ولایت است که هم در فقه محل گفت‌وگوست و هم در قوانین موضوعه موادی در این باره یافت می‌شود؛ مثلاً تبصره‌ی یک ماده‌ی ۱۲۱۰ قانون مدنی و ماده‌ی ۳ قانون ازدواج مصوّب ۱۳۱۰. ناگفته نماند در پاورقی ص ۵۳۹ کتاب آمده است: «به زیرنویس ماده‌ی ۱۱۱۹ قانون مدنی، جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی، ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی نیز نگاه کنید.» اما این توضیح ما را از ارجاع به مواد یاد شده و نیز توجه به متن ماده‌ی ۱۰۴۱ مصوب ۱۳۱۳ و متن اصلاحی آن ماده، مصوّب ۱۳۶۱ بی‌نیاز نمی‌کند.

ماده‌ی ۱۰۴۳ (درباره‌ی مسأله‌ی بحث‌انگیز اجازه‌ی ولی قهری در نکاح دختر کبیر است و متن مصوب ۱۳۱۳ آن ماده، در سال ۱۳۶۱ و دیگر بار در سال ۱۳۷۰ به صورت فعلی تصویب شده است) در متن کتاب هیچ‌گونه حاشیه و توضیحی ندارد (ص ۵۳۹). ماده‌ی ۱۰۴۴ نیز فاقد هرگونه شرحی است، در حالی که، دست کم لازم بود به متن مصوب ۱۳۱۳ و علت تغییر آن به صورت فعلی اشاره می‌شد.

مواد ۱۰۴۵ (درباره‌ی محارم نسبی)، ۱۰۴۶ (شرایط قرابت رضاعی)، ۱۰۴۷ (محارم سببی) و ۱۰۴۸ (ممنوعیت جمع بین دو خواهر در نکاح)، هیچ‌گونه شرح و توضیحی ندارد. ذیل مواد ۱۰۶۳ تا ۱۰۹۱ (جز ماده‌ی ۱۰۸۲ که آیین‌نامه‌ی هفت ماده‌ای اجرایی تبصره‌ی آن در صفحه‌ی ۵۵۵ و ۵۵۶ کتاب ذکر شده) هیچ‌گونه توضیحی داده نشده است، در حالی که مفاد برخی از این مواد، بحث‌های گسترده‌دامانی است؛ مثلاً ذیل ماده‌ی ۱۰۶۴ این مسأله را می‌توان طرح کرد که آیا سفیه می‌تواند عاقد نکاح باشد یا خیر؟ ذیل ماده‌ی ۱۰۶۵ به این نکته می‌توان اشاره کرد که چرا لزوم توالی ایجاب و قبول، که از شرایط عمومی قراردادهاست، در نکاح شخصاً مطرح شده است؟ ماده‌ی ۱۰۶۸ متضمن بحث مهم تعلیق در عقد نکاح است؛ ماده‌ی ۱۰۶۹ مسأله‌ی مهم شرط خیار برای فسخ نکاح و مهر را مطرح می‌کند؛ ماده‌ی ۱۰۷۰ درباره‌ی عقد نکاح اکراهی است؛ مواد ۱۰۷۵ تا ۱۰۷۷ درباره‌ی نکاح منقطع است که از ویژگی‌های فقه امامیه و حقوق ایران است؛ مواد ۱۰۷۸ تا ۱۰۹۱ درباره‌ی مبحث کاربردی و مهم مهریه در نکاح است؛ اما شگفتا که بر این مواد (جز همان آیین‌نامه‌ای که اشاره شد) هیچ‌گونه توضیحی ارائه نشده است.

ممکن است گفته شود چه بسا استاد پیش‌تر و در موارد مربوط، توضیحات و ارجاعات خویش را نگاشته‌اند؛ اما این عذر موجه نیست؛ زیرا اولاً، مناسب‌ترین و گاه تنها جایگاه شرح مطالب و طرح مباحث، ذیل همین مواد است؛ ثانیاً، اگر پیش‌تر هم مطرح شده بود، دست کم می‌بایست ذیل این مواد به آن مواضع اشاره می‌شد، تا کار خواننده‌ای که در پی نظرهای استاد درباره‌ی این مواد است، آسان‌گردد. ذیل مواد ۱۰۹۵ تا ۱۰۹۹ (ص ۵۵۹ و ۵۶۰)، مواد ۱۱۰۲ تا ۱۱۱۸ (درباره‌ی مسأله‌ی مهم حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر؛ ص ۵۶۳ تا ۵۶۵)، مواد ۱۱۲۱ تا ۱۱۳۲ (ص ۵۶۸ و ۵۶۹) نیز خواننده‌ی کتاب هیچ توضیحی نمی‌یابد. ماده‌ی ۱۱۲۳ بیماری‌هایی را نام

می برد که اگر در زنی موجود باشد، برای مرد حق فسخ نکاح به وجود می آید (ص ۵۶۸). چهار مورد نخست از بندهای شش گانه‌ی این ماده به تعریف نیاز دارد، اما توضیحی ارائه نشده است. دیگر از مواد مهم بی شرح در کتاب، مواد ۱۱۵۰ تا ۱۱۵۷ (مبحث عده؛ ص ۵۷۶ و ۵۷۷)، مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۵۵ (فصول دوم، سوم، چهارم و پنجم حجر و قیمومت قانون مدنی؛ ص ۶۰۵ تا ۶۱۴ کتاب) است.

این مسأله، یعنی وجود مواد، بلکه مجموعه‌ی مواد متوالی فاقد شرح و توضیح، از کاستی‌های مهم کتاب است. امید است این نقیصه در طبع بعدی کتاب برطرف گردد و دست کم به تألیفات استاد درباره‌ی مواد مربوط ارجاع داده شود.

۳- ۶. از نکات قابل توجه کتاب، آوردن متن قوانین و مقررات مربوط به مواد قانون مدنی است که سبب تسهیل و تسریع مطالعه و تحقیق است؛ به عنوان نمونه: مواد ۱، ۳، ۴، ۵، ۷، ۱۸، ۲۱، ۲۴، از قانون توزیع عادلانه‌ی آب، مصوب ۱۶ اسفند ۱۳۶۱ (ص ۲۴ تا ۲۶) و مواد ۱، ۴، ۹، ۱۱، از قانون اراضی مستحدث ساحلی، مصوب ۲۹ تیر ۱۳۵۴ (ص ۲۶ و ۲۷)، ذیل ماده‌ی ۲۶ قانون مدنی؛ ماده‌ی واحده‌ی قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه، مصوب ۲ اسفند ۱۳۷۱ (ص ۷۶ و ۷۷)، ذیل ماده‌ی ۹۰ قانون مدنی؛ لایحه‌ی قانونی راجع به رفع تجاوز و جبران خسارات وارده به املاک، مصوب ۲۷ آذر ۱۳۵۸ (ص ۱۱۵)، ذیل ماده‌ی ۱۳۵ قانون مدنی به عنوان متمم مواد مطالب آن مبحث؛ قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۵ بهمن ۱۳۵۳ و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، مصوب اردیبهشت ۱۳۵۴ (ص ۵۷۷ تا ۵۸۷) ذیل ماده‌ی ۱۱۵۷ قانون مدنی؛ قانون اجازه‌ی رعایت احوال شخصیه‌ی ایرانیان غیرشیعیه، مصوب ۳۱ تیر ۱۳۱۲ و قانون رسیدگی به دعاوی مطروح راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی، مصوب ۳ تیر ۱۳۷۰ (ص ۵۸۸ و ۵۸۹) ذیل ماده‌ی ۱۱۵۸ قانون مدنی.

اما پس از ماده‌ی ۱۳۳۵ که پایان‌بخش مواد قانون مدنی است، قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، مصوب ۲ دی ۱۳۶۳ و چهار آیین‌نامه‌ی اجرایی مربوط به آن (ص ۶۳۶ - ۶۷۰) آورده شده است، بدون آن‌که در آغاز یا پایان، شأن نزول و وجه نقل آن بیان شده باشد.

۴- ۶. در متن کتاب، پس از متن ماده‌ی ۱۲۸ قانون مدنی و سه حاشیه‌ی نویسنده

درباره‌ی آن (ص ۹۸)، آن‌گاه که خواننده انتظار می‌برد متن ماده‌ی بعدی قانون مدنی را بخواند، با این عبارت روبه‌رو می‌شود: «ماده‌ی ۱۲۹ - منسوخ است به ماده‌ی ۱۰ - ۱۰ مکرر قانون تملک آپارتمان‌ها». ممکن است تصوّر شود این نسخ از قبیل حذف مواد ۱۰۳۶، ۱۰۳۹، ۱۰۴۲، ۱۲۰۹، ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ و ۱۳۱۳ مکرر است که جملگی در اصلاحات قانون مدنی در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۷۰ صورت گرفته است؛ اما این تصور نادرست است؛ چون با مراجعه به متن قانون در می‌یابیم که متن ماده‌ی ۱۲۹ ذکر شده است. پس این نظر اجتهادی نویسنده است که ماده‌ی ۱۰ مکرر قانون تملک آپارتمان‌ها (الحاقی ۲ بهمن ۱۳۵۱ و اصلاحی ۱۷ خرداد ۱۳۵۹) ناسخ ماده‌ی ۱۲۹ قانون مدنی است.

اکنون سخن بر سر آن نیست که این اجتهاد مصاب است یا خیر، بلکه مطلب آن است که باید برای خواننده مشخص کرد که این نسخ، عقیده و نظر علمی نویسنده است، نه رأی و حکم قانون‌گذار، مانند مثال‌های ذکر شده که نسخ از سوی مقنن است؛ به عبارت دیگر، درباره‌ی ماده‌ی ۱۲۹، متن و شرح خلط شده است.

۷- درنگی در بخش دوم کتاب

مؤلف گرامی در صفحات ۶۷۹ تا ۱۱۱۱، پس از ذکر مقدمه‌ای، متن پیشنهادی خود برای اصلاح قانون مدنی را - که در حقیقت متن کاملی شامل ۳۵۲۰ ماده، تقریباً ۲/۵ برابر متن قانون مدنی است - ارائه می‌کند. ایشان در پاسخ به پرسشی که ممکن است در ذهن خواننده مطرح باشد، می‌نویسد:

از کثرت مواد قانون نباید هراسید؛ زیرا اگر طرح جامع، و تقسیم‌بندی فصول و باب‌ها و بخش‌ها منطقی و تحت نظام باشد، از مطالعه‌ی تمام مواد یک فصل برای یافتن یک ماده‌ی موردنظر جلوگیری می‌کند و به آسانی ماده‌ی مطلوب به دست می‌آید؛ مضافاً بر این‌که از صرف وقت برای استنباط در موارد سکوت قانون جلوگیری به عمل می‌آید... (ص ۶۸۲).

اینک گشت و گذاری داریم در بنایی که این استاد بنام حقوق بر پا کرده است: ۱- ۷. عبارات مبهم و چند پهلو، از اشکالات قوانین موجود است. متن پیشنهادی نیز از این اشکال مبرّانمانده است؛ مثلاً عبارت «قوانین ملل راقیه جهان» در بند ۲ ماده‌ی ۳

(ص ۶۸۳)، «نیروهای طبیعت» در ماده‌ی ۲۴ (ص ۶۸۷)، «کسانِ مکره» در ماده‌ی ۷۲۴، همان طور که عبارت «اقوام نزدیک» در ماده‌ی ۲۰۴ قانون مدنی هم مبهم است. البته در این ماده تصریح شده است که: «تشخیص درجه‌ی نزدیکی برای مؤثر بودن اکراه بسته به نظر عرف است.» اما این ملاک در طرح اصلاح قانون مدنی بیان نشده است. عبارت «وصف جوهری» در ماده‌ی ۷۳۱ (ص ۷۶۸) و عبارت «روزنامه‌ی کثیرالانتشار» در ماده‌ی ۱۰۲۳ به کار رفته است. مؤلف در ترمینولوژی حقوق (مدخل ۲۷۱۸) تصریح می‌کند که «روزنامه‌ی کثیرالانتشار تعریف قانونی ندارد و به فرض قانون (یا به تشخیص مراجع رسمی در خصوص مورد) باید معین شود...»؛ اما به رغم استفاده از این اصطلاح در ماده‌ی ۲۷۳۹ طرح اصلاح قانون مدنی (ص ۹۹۹)، هیچ تعریفی از آن ارائه نشده است؛ یعنی ابهام هم‌چنان باقی است.

۲-۷. از ابهام‌های این طرح، به کارگیری عباراتی دیرپاب است که به سادگی می‌شد برابری به جای آنها نهاد که معنا و مراد را زودپاب‌تر و واضح‌تر کند؛ مثل: «کوچه‌های نافذ» در ماده‌ی ۳۱ (ص ۶۸۸) به معنای کوچه‌های غیر مسدود (غیر بن بست)؛ «مهما ممکن» در ماده‌ی ۶۸۳ (ص ۷۶۴) به معنای «تا حدّ ممکن»؛ «ضرب الاجل» در ماده‌ی ۱۳۸۴ (ص ۸۴۵) به معنای مدت نهادن، توافق بر مدتی؛ «مفید و مستفید» در ماده‌ی ۱۴۳۲ (ص ۸۵۱) به معنای طرفین عقد اجاره، یعنی موجر و مستأجر است.

۳-۷. ارائه‌ی تعریف برای برخی عناوین حقوقی که در قانون مدنی فعلی بدون تعریف از آنها استفاده شده است؛ مثل: «مال» در ماده‌ی ۱۱ (ص ۶۸۵)، «مالکیت» در ماده‌ی ۴۷ (ص ۶۹۰)، «تصرف در چیزهایی مادی» در ماده‌ی ۶۲ (ص ۶۹۲)، ظاهراً قانون مدنی به رغم استفاده از اصطلاح تصرف، در موادی مانند ۳۵ و ۳۶، تعریفی از آن ارائه نکرده است. «حجر» در ماده‌ی ۳۱۶۳ (ص ۱۰۴۶) و «مهر» در ماده‌ی ۲۸۸۱ (ص ۱۰۱۴).

۴-۷. آوردن برخی مفاهیم در طرح قانون مدنی که به رغم اهمیت، قانون مدنی فعلی به آنها نپرداخته است؛ مانند: «مالکیت ادبی و هنری» و «مالکیت صنعتی» در بندهای ۴ و ۵ ماده‌ی ۴۶ (ص ۶۹)، «عقد انتشار» در ماده‌ی ۲۹۱ (ص ۷۱۴)، «سرقت ادبی» در ماده‌ی ۳۰۸ (ص ۷۱۶)، «ضرر معنوی» در ماده‌ی ۵۷۹ (ص ۷۵۰)، «اهداف از عقود» در ماده‌ی ۶۶۳ (ص ۷۶۱)، «عقد تلفنی» در ماده‌ی ۶۹۶ (ص ۷۶۵)، «عقد اداری» در

ماده‌ی ۷۱۰ (ص ۷۶۶)، «تجدیدنظر در عقد» در عنوان ماده‌ی ۷۵۹ (ص ۷۷۲) و «حسن نیت» در ماده‌ی ۷۷۹ (ص ۷۷۵).

۵-۷. تبیین ماهیت حقوقی برخی عناوین مورد استفاده در متن قانون مدنی، مثل «عمری حق انتفاعی است...» در ماده‌ی ۴۱ و «رقبی حق انتفاعی است...» در ماده‌ی ۴۲ قانون مدنی، اما مواد ۹۶ و ۱۰۳ طرح اصلاح قانون مدنی رسماً عمری و رقبی را عقد معرفی می‌کند؛ و یا تبیین برخی عناوین رایج در لسان حقوق دانان، مثل: اصطلاح «شرط خلاف مقتضای ذات عقد» در ماده‌ی ۶۷۰ (ص ۷۶۲)؛ «ایقاع» در ماده‌ی ۸۹۳ (ص ۷۸۷)؛ «اقاله» در ماده‌ی ۱۱۵۶ (ص ۸۲۰) و «خیار» در ماده‌ی ۱۱۹۹ (ص ۸۲۳). امید آن‌که تدوین حواشی عالمانه و انتشار آرای انتقادی و اصلاحی استادان ارجمند حقوق درباره‌ی مجموعه‌ی قوانین و مقررات جاری، راه اصلاح قوانین را هموارتر و رویه‌ی قضایی را تأثیرگذارتر کند و در نهایت، امور ملک و ملت را به سامان آورد.